

رساله در جواب میرزا نعمة الله شیرازی

السید کاظم الرشتی

النسخة العربية الأصلية



رساله در جواب میرزا نعمة الله شیرازی

من مصنفات

السید کاظم بن السید قاسم الحسینی الرشتی

جواهر الحكم المجلد الثالث

شركة الغدير للطباعة والنشر المحدودة

البصرة - العراق

شهر جمادی الاولی سنة 1432 هجرية

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال کردم از جناب مستطاب عالم ربانی وفاضل صمدانی المؤید بالله والمسدد من الله العالم العامل الكامل صاحب الشريعة والطريقة والحقيقة نخبة السادة وزبدة الاجلة حاجي سيد کاظم رشتي اقل خلق الله نعمت الله از اين حديث شريف وصورت سؤال اينست که حديثي است در اصول کافي که اول او اينست عن ابي عبد الله عليه السلم قال انکم لا تكونون صالحين حتى تعرفوا ولا تعرفون حتى تصدقوا الخ في الجملة طولي دارد البته در نظر هست بيان فرمايند مراد از ابواب اربعة چیست ؟

در جواب نوشته بودند باین نحو :

اما معنى حديث شريف بدانکه صلاح يعنى صالح شدن وقابل بودن از براي دخول جنت بجميع معاني ظاهريه وباطنيه واستيصال استفاضه از عالم اعلي ومرآت بودن بجهة تجليات غير متناهيه حاصل نمي شود الا بمعرفة حق تعالي چه جاهل مدير است از حق تعالي وادبار مستلزم حصول ظلمات وانيات وجهات بعد از جانب حق سبحانه وتعلي ودخول جهنم وعذاب ابد است پس صلاح حاصل نمي شود الا بمعرفة توحيد ومقامات ودرجات ومعرفة تنها کافي نيست در تحقق



ORIGINAL

صلاح الا بعد از اقترانش بتصدیق جمیع آنچه از جانب حق تعالی از معرفت اولیا و انبیا و خلفاء ثابت شده هر گاه معرفت بی تصدیق کفایت میکرد در تحقق صلاح پس بایست جمیع رؤسای کفر و اهل ضلالت صالحین باشند و خداوند عالم از ایشان در قرآن خبر داده یعرفون نعمه الله ثم ینکرونها و اکثرهم الکافرون و قوله تعالی یعرفونه کما یعرفون انبائهم وان فریقا منهم لیکتُمون الحق وهم یعلون و امثال اینها از آیات و روایات فوق احصا است پس آن معرفتی که نافع است و انسان باو صالح می شود بجهة جذب خیرات و مستأهل می شود برای انحاء افاضات الهیه آن معرفتی است که مقرون بتصدیق باشد و تصدیق هر چند در صورت ظاهریه مقتضی صلاح ظاهری است و لکن صلاح حقیقی که موجب فتح ابواب و فیوضات الهیه باشد و کذب و صدق مدعی را ظاهر می سازد آن تصدیق مقرون به تسلیم است که از برای خود انیت و شهوت و اراده و مشیت نه بیند و مضمحل کند اراده خود را در جنب اراده الله و مشیت خود را در جنب مشیت الله پس در اینصورت تسلیم کند خود را مثل میت که پیش دست غسل است برای خود شهوتی و مشیتی و اراده ملاحظه نکند و این مقام فوق مقام رضاست بجهة اینکه راضی برای خود مشیتی بیند و رضا به مشیت الهیه می شود پس خود را مشاهده میکند و اما در مقام تسلیم جز اراده الله چیزی مشاهده نمی کند و بالجمله چون مقام تسلیم در او ظاهر شد علامت و دلیل بر تصدیق اوست و تصدیق علامت و دلیل معرفت است و معرفت دلیل ایمان و صلاح است پس صلاح بدون معرفت متحقق نمی شود و مدعی آن کاذب است و معرفت بدون تصدیق تحقق نیابد و مدعی معرفت بدون تصدیق کاذب است و تصدیق بدون تسلیم صورت نه بندد و مدعی آن کاذب است پس این ابواب اربعه و ارکان اربعه مجتمعه دلیل هبوط تجلیات و حصول افاضات است که هر گاه یکی از آنها ناقص شود صلاح و اهلیت خیر نخواهد بهم رسانید و این مراتب اربعه فی الحقیقه متلازمند احدی از دیگری منفک نمی شود و لکن در عالم ظهور بحسب ادعای اهل ضلال مختلف شده و تخلف کرده چنانچه مذکور شد لهذا امام علیه السلم فرموده که هر یکی از اینها بدون دیگری سبب هلاک و خسران و وبال در دنیا و آخرت خواهد بود پس ابواب اربعه یکی ایمان که از او تعبیر بصلاح شده و دوم معرفت بالله و باولیاء الله سیم تصدیق الامر بالله و چهارم تصدیق بر ولی الله پس اول درجه صلاح است و آن کلمه لا اله الا الله است و دوم درجه معرفت است و آن کلمه محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است و سیم درجه تصدیق و آن علی ولی الله و الائمة من ولده اولیاء الله و چهارم تسلیم است و آن اولی من والوا و عادی من عادوا و اجانب من جانبوا و اقرار بهر يك از این چهار بدون دیگری تحقق نه پذیرد و صورت نه بندد

اینست صورت خط ایشان